

تاریخچه باشگاه رئال مادرید اسپانیا

مادریدیسمو _ تب سفید

منبع : مجله فوتبال (با تغییر تیترو تغییرات سطحی)

آنها را هرچه می‌خواهید بنامید:

سپیدها، ققنوس‌ها، واینکینگ‌ها

شاید تنها عده کمی از طرفداران بایرن مونیخ و منچستر یونایتد هستند که با تصمیم فیفا مبنی بر اعطای لقب «بزرگ‌ترین باشگاه تاریخ فوتبال» به رئال مخالف باشند. از شکست تلخ سه بر یک در مقابل بارسلونا در نخستین فصل لیگ اسپانیا دوران افسانه‌ای تیم آنها در دهه‌های 50 و 60 نیم‌قرن طول کشید و بعد رئال دوباره 32 سال انتظار کشید تا در سال 97 باردیگر قهرمان اروپا شود. آخرین توفیق بزرگ آنها فتح لیگ قهرمانان در سال 2002 و قهرمانی لالیگا در سال 2003 است. حالا این باشگاه سمبل فوتبال اسپانیا و به نوعی اسپانیا قلمداد می‌شود. دست یافتن رئال به اعتبار جهانی مقارن با زمانی بود که اسپانیایی‌ها در جام جهانی 1950 غوغا به پا کرده بودند. در این دوران، کشور به خاطر آشفتگی پس از جنگ‌های داخلی از قحط سالی در عذاب بود. گرچه صنعت توریسم تازه شکل گرفته بود اما وضع اقتصادی خراب به نظر می‌رسید. ژنرال فرانکو، خودکامه بزرگ اسپانیا بر آن بود که از پیروزی‌های رئال به عنوان ابزاری در جهت آشتی دادن غرب با حکومت دیکتاتوری‌اش استفاده کند. رئال به شدت از سوی فرانکو، ملقب به کادیو، حمایت می‌شد و در مقابل، بارسلونا، سمبل کاتالان‌ها مورد ظلم قرار می‌گرفت. پس از مرگ فرانکو شرایط تا حدودی تعدیل شد. گرچه شرایط مالی به‌رغم طبیعت ولخرج رئال همچنان در سطح عالی باقی ماند، اما قدرت

گرفتن باشگاه‌های رقیب نظیر بارسلونا سبب شد که رئال از سال 1957 به بعد اقتدار مطلق سه دهه‌ای خود را از دست بدهد. همان طور که تیم‌های بزرگ انگلیس تحت تاثیر افراد خاصی بوده که پایه‌های مستحکم باشگاه را بنا نهاده‌اند، ارتقای رئال از سطح یک تیم محلی مادرید تا جایگاه رؤیایی فعلی در دنیا نیز مدیون یک نفر است. منچستر یونایتد مت بیزلی را داشت، لیورپول بیل شنکلی را و آرسنال هم هربرت چیمین را، رئال هم سانتیاگو برنابئو را داشت. بازیکن دهه سی رئال که از سال 1943 تا زمان مرگ ژنرال فرانکو در سال 1975 مدیر باشگاه بود. در آن زمان مادرید به خانه فعلی خود واقع در خیابان اصلی شهر مادرید «کاستیانا» نقل مکان کرد و پایه‌های یک باشگاه بین‌المللی شد تا با جمع‌آوری ستاره‌های فوتبال از سراسر دنیا بتواند افتخارات متعددی را نصیب خود سازد. گرچه شاه آلفونسوی سیزدهم در سال 1920 نشان سلطنتی خود را به باشگاه بزرگ پایتخت اهدا کرده بود اما حرکت اصلی رئال دو دهه بعد با مدیریت کارآمد برنابئو آغاز شد. ژنرال فرانکو در 1947 همه اسپانیا را بسیج کرد تا با کمک‌های عمومی فراوان، استادیوم سانتیاگو برنابئو را افتتاح کنند. در ادامه آلفردو دی‌استفانو و فرانسیسکو پوشکاش، ترکیبی از تکنیک لاتینی و قدرت هجومی مجارهای جادویی، در کنار فرانسیسکو خنتو، اساس تیم طلایی رئال را شکل دادند. پس از پیروزی قدرتمندانه هفت بر سه در مقابل اینتراخت فرانکفورت در فینال جام باشگاه‌های اروپای 1960 در هیمدون پارک گلاسکو آنها پنج دوره نخست این رقابت‌ها را فتح کردند که این افتخار بزرگ به عنوان رکورد در جام باشگاه‌های اروپا به ثبت رسیده است. آنها سپس در فصل 61-62 مقابل بنفیکا شکست خوردند تا یک نایب قهرمانی اروپا را به دست آورده باشند. قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا در فصل 65-66 به عنوان ششمین قهرمانی «ققنوس‌ها» نامیده شد. پس از مرگ برنابئو افتی سریع در باشگاه پدید آمد. دو جام یوفا در سال‌های 86 و 1985 و چندین قهرمانی لیگ در آن شرایط

ناامیدکننده، نظر کسی را جلب نکرد. در این مدت باشگاه عرصه رفت و آمد 17 مدیر شد، که یکی پس از دیگر عزل شدند. ستاره‌های گرانقیمت خارجی که به طور دیوانه‌وار و بدون هدف خرید و فروش می‌شدند نیز بلای دیگر رئال بودند. بازیکنان اسپانیایی مادرید در دهه 1970 بسیار استوار بودند و ستاره‌های دهه هشتاد درخششی دوچندان داشتند.

امیلیو بوتراگئینو، گونسالس میشل، مارتین واسکس، در دهه نود که مدیر وقت باشگاه رومان مندوسا برای خرید ستاره‌هایی مثل روبرتو کارلوس، پردراک میاتوویچ، کلارنس سیدورف سرمایه‌گذاری کرد. لورنسوسانس چندان بلند پرواز نبود و تنها مک منمن انگلیسی و نیکلاس آنلکای فرانسوی را به مادرید آورد. ریخت و پاش‌های آنچنانی باشگاه که از دهه 1930 با شکستن رکورد نقل و انتقالات در جریان خرید «ریکاردوزامورا» دروازه‌بان افسانه‌ای بارسلونا، سرآمد تمامی باشگاه‌ها شده بود، چیز چندان عجیبی نیست اما با نزدیک شدن به انتهای دهه نود، هرچقدر این ولخرجی‌ها فزونی یافت، پاداش‌های بیشتر و بیشتری را نصیب رئال ساخت. ابتدا پردراک میاتوویچ، با گلی که در فینال لیگ قهرمانان 1998 به یوونتوس زد، مادریدی‌ها چندان در حسرت هفتمین جام می‌سوختند که گویی برای نخستین قهرمانی انتظار می‌کشند.

رئال با استفاده از تاکتیک‌های دفاعی فابیو کاپلو موسوم به «کاتانا چپو» قهرمان لیگ در فصل 97-1996 را که در آن داور سوکر 24 گل و رائل 21 گل به ثمر رساندند، به دست آورد و دورانی جدید را آغاز کرد. حتی فرو ریختن اعتبار ملی اسپانیا در جام جهانی 97 هم رئال را سرافکنده نکرد. کاپیتان ایه رو محور اصلی تیم بود. او رهبری تیمی جوان متشکل از رائل، مورینتس، سالگادو و ایگر کاسیاس را برعهده داشت که پایه‌گذار ادامه قهرمانی‌های رئال شدند. پس از اینکه جان توشاک انگلیسی نتوانست در نیم

فصل ابتدایی 1999-2000 رئال را به جایگاه مناسبی برساند، ویسنته دل بوسکه به عنوان مربی جدید معرفی شد.

حضور «مرد خانه» بر روی نیمکت سبب شد که رئال موقتا مشکلات را پشت سر بگذارد و در آستانه ورشکستگی با پیروزی والنسیا، آن هم با سه گل، دوباره قهرمان اروپا شود. قهرمانی رئال در لیگ قهرمانان 2000 بر پیشرفت تیم ملی اسپانیا در یورو 2000 هم تاثیر زیادی گذاشت. فصل بعد لوئیس فیگو با رکورد 56 میلیونی یورویی از چنگ بارسلونا بیرون کشیده شد. این به معنای تحقق نخستین شعار تبلیغاتی فلورنتینو پرس، رئیس جدید و جاه طلب رئال بود که در انتخاباتی همانند انتخابات ایالات متحده با رسوایی بر لورنسوسانس پیروز شده بود. پرس رئال را با 185 میلیون یورو بدهی و در شرایط دشوار مالی تحویل گرفت و رؤیای افتخارات اروپایی در عالم واقعیت را با این حقیقت که رئال صاحب گنجی رؤیایی است توأم کرد. آنها زمین تمرینشان در مرکز شهر مادرید را فروختند و بدهی هایشان را پرداختند، اما پرس به جای روش های صرف جویانه، زین الدین زیدان را هم به دنبال فیگو و با رکورد 64 میلیون یورو به برنابئو آورد.

رئال جشن تولد صد سالگی اش را با گل جادویی زیدان در فینال لیگ قهرمانان 2001-2002 در مقابل لورکوزن، نهمین قهرمانی، اروپا کامل کرد. تحقق شعارهای پرس ادامه یافتند آنها ثابت کردند که علاوه بر به دست آوردن جام، چگونه به دست آوردن آن همه برایشان اهمیت دارد. خرید رونالدو آخرین افتخاری بود که در کارنامه رئال ثبت شد ولی بعدا معلوم شد که آنها به دنبال افتخارات زیادی هستند. بنابراین دیوید بکام را خریدند. اما با ورود این دو عجوبه برزیلی انگلیسی فقط یک قهرمان لالیگا در این دو فصل به دست آمد. در مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان مغلوب یوونتوس شدند و در فصل اخیر با شکست از موناکو از دور مسابقات حذف شدند و در لالیگا با شکست های پیاپی اواخر فصل بر رتبه چهارم ایستادند تا پس از فصل 1968

این بدترین عنوان تیم کهکشانی باشد. مادرید در فصل بعد ا رقیب دیرینه خود بارسلونا رقابتی تنگاتنگ داشتو اگر در نیوکمپ 3 بر 0 شکست نمی خورد می توانست رتبه دوم را با قهرمانی تعویض کند.

«

1. آلفردو دی استفانو (پیکان طلایی)

اگر فوتبال باشگاهی را دنیایی متفاوت از فوتبال ملی بدانیم، آلفردودی استفانو در رده بندی بهترین فوتبالیست های قرن بعد از پله قرار داشت، او به دلیل مصدومیت فرصت خودنمایی در جام های جهانی نیافت اما پنج بار پیاپی رئال را قهرمان اروپا کرد و نخستین بازیکنی بود که دو بار پیاپی توپ طلایی را صاحب شد. او در سه باشگاه معتبر دنیا نظیر ریورپلاته، بارسلونا و رئال مادرید بازی کرد. اما مساله ملیت او بسیار مبهم است. او در سال 1926 در یک خانواده ایتالیایی در بوینوس آیرس متولد شد و بعدها از آرژانتین به اسپانیا رفت و تبعه این کشور شد. او بهترین گلزن تمامی رقابت های اروپایی محسوب می شود. دی استفانو امروز رئیس افتخاری باشگاه به شمار می رود. دوره حضور وی در رئال به عنوان بازیکن (1954-1966) و به عنوان مربی (1982-83) و (1990-91) می باشد.

2.فرانتس پوشکاش «گلزن رؤیایی»

پوشکاش نابغه چپ پای مجار که از نوجوانی عضو سواره نظام مجارستان شده بود، در 18 سالگی نخستین بازی ملی اش را مقابل اتریش انجام داد و پس از یک دهه رویایی در کنار مجارهای جادویی، چشم فوتبال دوستان را خیره کرد.

در سال 1958 به دلیل اشغال کشورش توسط روس ها به اسپانیا رفت و تبعه این کشور شد و عصر طلایی رئال را در کنار دی استفانو خلق کرد. او در 80 بازی ملی 83 گل به ثمر رساند. پوشکاش در سال 1996 بازنشسته شد و

مربیگری رئال را به عهده گرفت و در 39 بازی اروپایی، 35 پیروزی را برای رئال به ارمغان آورد. دوران حضور در رئال به عنوان بازیکن (66-1959) و به عنوان مربی (68-1966).

3. هوگو سانچس (عجوبه مکزیکی)

سانچس درخشش خود را با کسب عنوان آقای گل جام جهانی جوانان در 17 سالگی آغاز کرد. او چهار سال برای اتلتیکو گلزنی کرد و سرانجام با پیوستن به رئال باشکوه‌ترین دوران زندگی‌اش را آغاز کرد. سانچس پنج بار آقای گل لالیگا شد و با قیچی برگردان بی‌نظیرش، که از میانه میدان برای رئال به ثمر رساند، بهترین گل سال 1990 را زد. دوران حضور در رئال (1992-1985).

4. امیلیو بوتراگئینو (ملقب به ال بوتره)

امیلیو از آغاز تا پایان برای رئال بازی کرد. او از 17 سالگی به عضویت کارسیا، تیم پایه‌ای رئال درآمد و با این تیم توانست در فینال جام حذفی مقابل تیم اصلی رئال بایستد. او در 341 بازی همراه رئال توانست 217 گل به ثمر برساند و هفتمین گلزن برتر تاریخ باشگاه محسوب شود. سرانجام وقتی که در سال 1995 بازنشسته شد، برای اینکه به بارسلونا نپیوندد به مکزیک رفت و سه سال در آنجا بازی کرد.

خوزه آنتونیو کاماچا: او که سابقه هدایت سپیدها را داشت بعد از ناکامی اسپانیا در یورو 2000 به پرتغال رفت و در تیم بنفیکا به فعالیت خود ادامه داد. او پس از شکست‌های تلخ رئال و اخراج کوئیروز، به دعوت پرس پاسخ مثبت داد و هدایت این تیم افسانه‌ای را به دست گرفت. رئال مادرید پس از او ناکامی‌های فراوانی را تجربه کرد تا اینکه به دست مطمئن و کار بلد مردی از برزیل به نام واندردلی لوکزامبورگو سپرده شد.

رئال در یک نگاه:

نام رسمی: رئال مادرید

سال تاسیس: 1902

رئیس باشگاه: فلورنتینو پارس

نایب رئیس باشگاه: امیلیو بوتراگوئو

رئیس افتخاری: آلفردو دی استفانو

استادیوم: سانتیاگو برنابئو (78 هزار نفری)

زمین تمرین: سینداد دپورتیوا

حامی مالی: زیمنس

طراح لباس: آدیداس

لباس اصلی: سراسر سفید با خطوط آبی و سرشانه

اسامی مستعار: سپیدها، ققنوس‌ها، وایکینگ‌ها و کهکشانی‌ها

اسطوره همیشگی: آلفردو دی استفانو

هوادارن ویژه: ژنرال فرانکو (دیکتاتور اسبق اسپانیا) خوان کارلوس (پادشاه

فعلی اسپانیا)

افتخارات داخلی:

قهرمانی لالیگا: 29 بار، اولین بار در سال (32-1931) و آخرین بار در فصل (2002-2003)

قهرمانی جام حذفی: 17 بار، اولین بار (5-1904) آخرین بار در فصل (93-1992)

افتخارات اروپایی:

قهرمان جام قهرمانی اروپا: (لیگ قهرمانان 9 بار)، اولین بار در فصل (56-1955)، آخرین بار در فصل (2001-2002)

قهرمان جام یوفا: 2 بار در سال‌های (1985-86) و (1984-85)
قهرمان جام بین قاره‌ای: 3 بار در سال‌های (1960-2000)

پیام‌های دیگران (6) لینک